

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۱۵، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۹۱

بررسی وزن و موسیقی شعر در سبک آذربایجانی* (علمی - پژوهشی)

دکتر سید اسماعیل قافله‌باشی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

سبک آذربایجانی، یکی از مهم‌ترین سبک‌های شعر فارسی است که در شعر شاعرانی چون: خاقانی، نظامی، مجیر، فلکی و ابوالعلاء گنجوی متجلی است. این سبک، چه از دیدگاه فرم و ساختار و چه از نظر محتوا، از سبک‌های پربار و درخشان شعر فارسی است که تأثیر فراوان و مفیدی در طول تاریخ شعر فارسی داشته است و بسیاری از شاعران بعدی، خوشه‌چین این باغ سرسبز و خرم بوده‌اند. با بررسی همه‌جانبه خصایص این سبک درمی‌یابیم که بدون شک، یکی از مهم‌ترین عوامل درخشش آن، توجه مخصوص به موسیقی کلام و بهره‌گیری مفید و استادانه از وزن و سایر عوامل موسیقی‌ساز سخن بوده است. این مقاله بر آن است تا به ابعاد مختلف ایجاد موسیقی در شعر شاعران سبک آذربایجانی بپردازد و استادی آنان را در این امر باز نماید.

کلید واژه‌ها: سبک آذربایجانی، موسیقی کلام، وزن، ردیف و قافیه.

۱- مقدمه

سبک آذربایجانی، یکی از سبک‌های مهم و مؤثر شعر فارسی است که متأسفانه تاکنون در باب ویژگی‌ها و ابعاد مختلف آن، کندوکاو و پژوهش زیادی انجام نگرفته است. این سبک در قرن ششم رواج داشت و در شعر شاعرانی چون: نظامی گنجوی، خاقانی شروانی، مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی و ابوالعلاء گنجوی متجلی است اما بازتاب و تأثیر این سبک در قرون مختلف شعر فارسی، بسیار قابل توجه است. بدون تردید، شاعرانی چون کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، امیر خسرو دهلوی، سلمان ساوجی، خواجه کرمانی، عید زاکانی، عبدالرحمان جامی، عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، قآنی شیرازی، محمودخان

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۱/۸/۲

* تاریخ ارسال مقاله: ۹۰/۱۲/۳

ایمیل: mghafelehbash@yahoo.com

ملک الشعراء، سروش اصفهانی و دهها شاعر دیگر، تحت تأثیر اشعار سبک آذربایجانی و شاعران مهمی چون نظامی و خاقانی بوده‌اند.

سبک آذربایجانی، از سبک‌های مبتکر و خلاق است. بررسی ابعاد مختلف این سبک، این خلاقیت و ابتکار را به وضوح به ما نشان می‌دهد. این سبک در واقع، هم نوآوری‌هایی در سبک خراسانی ایجاد کرد و هم ابتکارات و خلاقیت‌هایی در سبک عراقی و این مقوله را خود شاعران سبک آذربایجانی به خوبی می‌دانستند؛ از آن جمله می‌توان به شعر معروف خاقانی اشاره کرد که در تعریف و تمجید از خویش و در مقام برتری خود بر عنصری سروده است:

شناسند افاضل که چون من نبود به مدح و غزل درفشان عنصری
که این سحرکاری که من می‌کنم نکردی به سحر بیان عنصری
مرا شیوه خاص و تازه است و داشت همان شیوه باستان عنصری
(خاقانی، ۱۳۳۸: ۸۲۶)

این شیوه خاص و تازه، یعنی سبک آذربایجانی را باید از ابعاد مختلف و جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و مداقه نظر قرار داد اما آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، جنبه موسیقی شعر این سبک است که بدون تردید، یکی از مهم‌ترین عناصر درخشش و موفقیت آن است. شاعران این سبک، به موسیقی و ترنم داشتن شعرشان بسیار اهمیت می‌دادند و اکثرشان موسیقی‌شناس بودند.

تمام علل و اسباب ازدیاد موسیقی کلام در شعر این شاعران، به طرز برجسته و شایان توجه خودنمایی می‌کند؛ عواملی چون: وزن، قافیه، ردیف، نغمه حروف، استفاده از آن دسته صنایع بدیعی که موسیقی کلام ایجاد می‌کند و ... در این سبک، به شیوه‌ای استادانه و ماهرانه به کار گرفته شده است و ترنمی بهشت‌آسا و روح‌پرور را به شعر این شاعران بخشیده است و به تعبیر خود نظامی، شعرشان را باید «آزادترین نسیم خوشبو» نامید.

۲- پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت شاعران سبک آذربایجانی، بالأخص نظامی و خاقانی در شعر فارسی، تاکنون تحقیقاتی در باب شرح حال، تصحیح آثار و بیان برخی از خصایص سبکی این شاعران صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب،

بالأخص کتاب «پیر گنجینه در جستجوی ناکجاآباد» و کتاب «سخن و سخنوران»، اثر استاد فروزانفر (قسمت خاقانی) و نوشته‌های دکتر ضیاءالدین سجّادی اشاره کرد اما تاکنون تحقیقی منسجم و همه‌جانبه در باب ابعاد موسیقی شعر این شاعران صورت نگرفته است. هدف این مقاله، بازگو کردن علل موسیقی شعر در سبک آذربایجانی است تا ابعاد و انواع این موسیقی معلوم گردد و یکی از علت‌های مهم زیبایی سخن این شاعران نموده گردد. شهری به فتنه شد که فلانی از آن ماست / ما عشق‌باز صادق و او عشق‌دان ماست

۳- وزن در سبک آذربایجانی

با بررسی‌هایی که در شعر شاعران سبک آذربایجانی صورت گرفت، به نظر می‌رسد که شاعران این سبک از تمام وزن‌های مشهور و رایج شعر فارسی بهره برده‌اند. تنوع و گوناگونی وزن‌ها، چه در مثنوی‌ها و چه در قصاید و غزلیات و قطعات این سبک، کاملاً مشهود است. این تنوع به حدی زیاد است که بازگو کردن نمونه‌ای از آنها نیز دشوار است ولی برای خالی نبودن مقال، به چند مورد اشاره می‌شود:

بحر مضارع (وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان)

شهری به فتنه شد که فلانی از آن ماست ما عشق‌باز صادق و او عشق‌دان ماست

(خاقانی، ۱۳۳۸: ۷۸)

بحر هزج (وزن: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

مرادل پیر تعلیم است و من طفل‌زبان دانش دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش

(همان: ۲۰۹)

بحر رجز (وزن: مستفععلن مستفععلن مستفععلن مستفععلن)

در کام صبح از ناف شب مشک است عمدا ریخته زرین هزاران نرگسه برسقف میناریخته

(همان: ۳۷۷)

بحر رمل (وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

خان و خیل چرخ را شه خیل و خوان آراسته تابه‌ماه‌ویره کرده‌ست خوان آراسته

(فلکی، ۱۳۴۵: ۶۷)

بحر مجتث (وزن: مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فععلن)

سپهر مجد و معالی محیط نقطه عالم جهان جود و عوالی چراغ دوده آدم

(همان: ۴۳)

بحر متقارب (وزن: فعولن فعولن فعولن فعولن)

زهی بر خط آسمان سر نهاده جهان بر سر جاهت افسر نهاده

(مجیر، ۱۳۵۸: ۱۷۸)

وزن در دیوان خاقانی به شرح جدول‌های زیر است:

۳-۱- تنوع اوزان در قصاید خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۴	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۲۸	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۳	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۱۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	۱۳	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
۲	مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل	۱۳	فاعلاتن مفاعیل فاعلن
۲	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۱	فاعلات فاعلات فاعلات فاعلاتن	۸	مفعول مفاعیلن فاعلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۶	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
۱	مفتعلن مفتعلن فاعلن	۶	فعولن فعولن فعولن فعولن
۱	مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
۱		۵	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

۳-۲- تنوع اوزان در غزلیات خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱۲	مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیلن	۴۲	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۳۰	مفعول مفاعیلن فاعلن
۱۰	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۲۴	فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
۸	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	۲۲	مفاعیلن مفاعیلن فاعلن
۵	فعولن فعولن فعولن فعولن	۲۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۴	فاعلات فاعلات فاعلات فاعلاتن	۱۹	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

۴	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	۱۸	مفعول	مفاعیل	مفعول	فعولن
۱	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	۱۸	مفعول	مفاعیل	مفعول	فاعلن
۱	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	۱۶	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
۱	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	۱۳	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن	فاعلن
۱	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	۱۳	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن	فاعلاتن

علاوه بر اوزان مزبور که از وزن‌های مشهور و پرکاربرد شعر فارسی هستند، خاقانی در

غزلیات خود از اوزان کمتررایج و به اصطلاح اهل عروض، «نامطبوع» نیز استفاده کرده

است که ما در اینجا، به مصراع اول مطلع آن غزل‌ها اشاره می‌کنیم:

به جایی رسید عشق که بر جای جان نشست (طویل مقبوض ضرب و عروض) (خاقانی، ۱۳۳۸: ۵۷۱)

این خود چه صورت است که من پای‌بست (مضارع اخرب مکفوف) (همان: ۶۳۳)

اویم (خفیف مخبون عروض و ضرب) (همان: ۶۵۶)

تو چه دانی که از وفا چه نمودم به جای تو (رمل مخبون مشکول مقصور) (همان: ۶۷۷)

ز دلت چه داد خواهم که نه داور منی

۳-۳- تنوع اوزان در ترجیع بندها و ترکیب بندهای خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۳	فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
۱	مفعول مفاعیلن فعولن	۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۱	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۲	مفعول فاعلات مفاعیلن فاعلن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن
		۱	مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۳-۴- تنوع اوزان در قصاید فلکی شروانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۴	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۳	مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۱	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	۳	مفعول	مفاعیل	فعلولن
۱	مفاعیلن	مفاعیلن	فعلاتن	مفاعیلن	۳	مفتعلن	فاعیلن	فاعیلن
۱	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	۳	فاعیلن	فاعلاتن	فاعلاتن
۱	مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعیلن	۲	مفعول	فاعلات	مفاعیل
	فاعلاتن	مفاعیلن	فاعیلن	فاعلاتن	۱		فاعلاتن	مفاعیلن

۳-۵ - تنوع اوزان در غزلیات فلکی شروانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	مفعولن مفاعیلن مفعولن مفاعیلن	۲	مفتعلن مفاعیلن فاعیلن
۱	فعلن مفاعیلن فاعلاتن	۲	مفعولن مفاعیلن فاعیلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفعول	۱	فاعیلن مفاعیلن فاعلات
۱	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	۱	مفعول مفاعیل مفاعیل فعلولن

ترکیب‌بند‌های دیوان فلکی نیز از دو وزن بهره برده است؛ یکی وزن: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعیلن» که ۲ بار به کار رفته و یکی دیگر وزن: «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن است» که ۱ بار به کار گرفته شده است.

۳-۶ - تنوع اوزان در قصاید مجیرالدین بیلقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۳	فعلولن فعلولن فعلولن فعلولن	۱۶	مفعول فاعلات مفاعیل فاعیلن
۲	مفعول مفاعیلن فعلولن	۱۵	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن
۱	مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن	۱۰	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلان
۱	مفتعلن فاعیلن مفتعلن فاعیلن	۷	مفاعیلن فاعلات مفتعلن فاعیلن
۱	مفعول مفاعیل مفاعیل فعلولن	۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعیلن فاعیلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن فعلولن	۴	مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن
۱	متفاعیلن متفاعیلن فعلولن	۴	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۱	فاعلاتن فعلاتن فعلن	۳	فاعیلن مفاعیلن فعلن
۱	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع	۳	فاعیلن مفتعلن فاعیلن

	۳	مستفعلن مستفعلن مستفعلن
--	---	-------------------------

۳-۷- تنوع اوزان در غزلیات مجیرالدین بیلقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۳	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	۱۰	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۳	مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلات	۹	مفاعیلن مفاعیلن فعولن
۳	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلان	۸	فاعلاتن فاعلاتن فاعلان
۳	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۶	فاعلاتن فاعلان
۲	فعولن فعولن فعولن فعولن	۵	مفاعیل مفاعیل مفاعیل
۱	مفعول مفاعلن فعولن	۵	فاعلاتن فاعلان
۱	مفعول مفاعلن مفاعیلن	۵	فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۱	مفتعلن مفتعلن فاعلن	۴	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۴	مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۱	مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن	۱	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

جدول‌های فوق نشان می‌دهد که شاعران سبک آذربایجانی، از حد اکثر امکانات وزنی شعر فارسی استفاده کرده‌اند و دیوانشان را آهنگین نموده‌اند. از تتبع اوزان در این سبک، این نکته نیز استنباط می‌شود که این شاعران، از وزن‌های رقصان و شاد زیاد بهره برده‌اند و در بسیاری از موارد، این شادی و رقصانی را با نوعی وقار و شکوه، درهم آمیخته‌اند که تعبیر نگارنده از آن، «وزن مطمئن» می‌باشد؛ بدین ترتیب:

رقصانی و ترنم + وقار و شکوه (نوعی هاله‌دار بودن وزن) = وزن مطمئن

برای مثال، یکی از اوزانی که در تمام دیوان‌های سبک آذربایجانی دیده می‌شود و علاقه این شاعران را به آن نشان می‌دهد، وزن «مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن» از مزاحفات بحر رجز است که برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

۴- قصیده‌ای از خاقانی با مطلع:

صبحدم آب خضر نوش از لب جام گوهری کز ظلمات بحر جست آینه سکندری

(خاقانی، ۱۳۳۸: ۴۱۹)

همچنین قصیده‌ای دیگر از او با مطلع:

پیش که صبح بردرد شقه چتر چنبری خیز مگر به برق می برقع صبح بردری

(همان: ۴۲۵)

یا ترکیب بندی از او با مطلع:

جام ز می دو قلّه کن خاص برای صبحدم فرق مکن، دو قبله دان جام و صفای صبحدم

(همان: ۴۵۷)

همچنین غزلی از او با مطلع:

خاک شدم در تو را آب رخم چرا بری؟ داشتمت به خون دل خون دلم چرا خوری؟

(همان: ۶۸۷)

همچنین غزلی دیگر از او با مطلع:

ای رخ نورپاش تو پیشه گرفته دلبری رونق آفتاب شد زان رخ همچو مشتری

(همان: ۶۹۲)

همچنین قصیده‌ای از فلکی شروانی با مطلع:

دوش چو کرد آسمان افسر زر ز سر یله ساخت ز ماه و اختران یاره و عقد و مرسله

(فلکی، ۱۳۴۵: ۵۹)

یا غزلی از مجیرالدین بیلقانی با مطلع:

داد دلم به دست غم طره دلربای تو برد به عرض بوسه جان عارض جانفزای تو

(مجیر، ۱۳۵۸: ۲۳۶)

چنان که ملاحظه می‌شود، این وزن در شعر این شاعران، در عین اینکه رقصان است، وقار و جلال خاصی دارد و از نوع شعر فخیم به شمار می‌آید.

۵ - قافیه و ردیف در سبک آذربایجانی

می‌دانیم که قافیه، مخصوصاً ردیف، کوششی است برای ازدیاد موسیقی و ترنم در شعر. ردیف، تکرار منظم یک کلمه یا یک عبارت در طول یک قالب شعری است که علاوه بر زیبایی لفظی دادن به شعر، آن را آهنگین تر و موسیقایی تر می‌کند چنان که استاد دکتر شفیع کدکنی در کتاب موسیقی شعر نوشته است: «از آنجا که کلمات فارسی، اعراب ندارد، نمی‌توانیم هیچگونه کشش صوتی ایجاد کنیم؛ البته در فارسی اندکی توقف روی حرکت قبل از روی می‌کنیم اما به قدری نیست که موسیقی قافیه را اشباع کند؛ به همین علت است که برای تکمیل این موسیقی، از راه دیگر که وجود ردیف است،

استفاده می‌شود تا حروف مشترک پایان شعر را که یکی دو حرف بیشتر نیست، فزونی بخشد و موسیقی شعر را تکمیل کند.» (شفیعی کدکنی. ۱۳۶۸: ۱۳۶)

در سبک آذربایجانی، به ردیف اهمّیت فوق‌العاده‌ای داده شده است و بسیاری از اشعار شاعران این سبک، مزین به انواع ردیف‌هاست. بسیاری از ردیف‌ها در شعر آنها مبتکرانه و کاملاً جدید است. استاد بدیع‌الزمان فروزانفر نیز در کتاب ارزشمند «سخن و سخنوران» یکی از ارزش‌های شعر خاقانی را در به کارگیری ردیف‌های استادانه می‌داند و می‌نویسد: «التزام ردیف‌های مشکل و تصریح در قصاید بلند و طولانی، با حفظ صحّت و تناسب معانی که برای کمتر کسی از شعرا بدان پایه از حسن متانت میسر گردیده، هم دلیل طبع قیاض او تواند بود.» (فروزانفر. ۱۳۵۰: ۶۱۴)

بعضی از ردیف‌ها، از یک کلمه بیشتر است و گاه، به یک جمله می‌رسد و همچنین، گاه ترکیبی است از اسم و فعل. این ردیف‌ها واقعاً زیبا و مترنم است و از خصایص برجسته سبک آذربایجانی محسوب می‌گردد.

وضع ردیف در دیوان خاقانی به شرح جدول زیر است:

نوع ردیف	قصاید	غزلیات	ترکیبات و ترجیعات
ردیف فعلی	۵۳ بار	۱۵۹ بار	۷۲ بار
ردیف اسمی	" ۱۹	" ۲۳	" ۱۷
ردیف دوکلمه‌ای	" ۸	" ۶۱	" ۳۸
ردیف عبارتی یا جمله‌ای	" ۴	" ۱۴	" ۱۰

وضع ردیف در دیوان فلکی بدین قرار است:

نوع ردیف	قصاید	ترکیب‌بندها
فعلی	۱۰ بار	۱۵ بار
اسمی	" ۱	" ۵
دوکلمه‌ای	" ۱	" ۱

وضع ردیف در دیوان فلکی بدین قرار است:

نوع ردیف	قصاید	غزلیات
فعلی	۳۲ بار	۵۷ بار
اسمی	" ۶	" ۸
دوکلمه‌ای	" ۷	" ۷
عبارتی یا جمله‌ای	—	" ۲

چنان که گفته شد، برخی از این ردیف‌ها کاملاً نو و ابتکاری است و از موسیقی زیبایی برخوردار است. ردیف‌هایی همچون بینمش، درسته‌ام، می‌خواندش، آخر کجاست، تازه کن، تازه بین، آمد برون، کرد آفتاب، بین در او، باد از ظفر، است از غمت، چه مانده‌ای، خواهم فشاند، چنین خوشتر، برنتابد هر دلی، به خراسان یابم، برنتابد بیش از این، شوم ان- شاءالله و ... بسیار زیبا و خوشایند است و با قاطعیت می‌توان گفت که در کمتر سبکی از سبک‌های شعر فارسی، این همه توجه به ردیف و انواع آن شده است. ما در اینجا برای نمونه، به چند بیت از اشعاری که مردّف هستند، اشاره می‌کنیم و توجه خواننده را به زیبایی موسیقی آنها جلب می‌کنیم:

کوی عشق آمد شد ما برنتابد بیش از این دامن تر بردن آنجا برنتابد بیش از این
(خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۳۷)

به خراسان شوم ان شاءالله آن ره آسان شوم ان شاءالله
(همان: ۴۰۵)

فردوس مجلس داوری کارواح دربان زیدش اجرام موکب صفدری کافلاک میدان زیدش
(همان: ۴۵۴)

سوری که حور در وی پیرایه برگشاید رضوان گه نثارش عقد گهر گشاید
(فلکی، ۱۳۴۵: ۸۲)

زیوری تو باز بر سقف کهن بر بسته‌اند گوهر شب تاب بر دریای اخضر بسته‌اند
(مجیر، ۱۳۵۸: ۶۸)

۶- وضع قافیه در سبک آذربایجانی

چنان که گفته شد، قافیه‌پردازی یکی از ابعاد زیباسازی شعر و موسیقی بخشی آن است. در علم قافیه، صاحبان فن از دیرباز، حروف و حرکاتی را مهم شمرده‌اند و صاحبان ذوق و هنر را بدان توجه داده‌اند؛ حروفی مثل: ردف، قید، وصل و حرکاتی مثل: رس، حذو، توجیه و ... که در کلاس درس قافیه تدریس می‌شود و شاعران و اهل فن باید آنها را بدانند؛ چنان که شمس قیس رازی در کتاب «المعجم فی معاییر الاشعار العجم» آن حروف و حرکات را به دقت بازگو کرده و تعریف نموده است. (شمس قیس رازی، ۱۳۳۸: ۲۰۴) بدون تردید، علت اصلی توجه به این حروف و حرکات، موسیقی‌افزایی و ترنم‌خیزی آنهاست. اگر از این دیدگاه به شاعران بزرگی چون: سعدی، حافظ، مولانا و صائب نظر بیفکنیم، می‌بینیم که آنها از این حروف و حرکات، فراوان بهره برده‌اند. در دیوان شاعران سبک آذربایجانی نیز این بهره‌گیری به وضوح دیده می‌شود. در قصاید خاقانی، ۵۹ بار از قوافی مردفه و ۲۰ بار از قافیه موصوله استفاده شده است. در غزلیات او، ۱۸۸ بار از قافیه-های مردفه و ۹۹ بار از قافیه‌های موصوله و سایر حروف بعد از روی استفاده شده است و ۷ بار نیز از قوافی مقیده بهره گرفته شده است. در دیوان فلکی نیز ۱۸ بار از قوافی مردفه سود برده شده است و در دیوان مجیر بیلقانی نیز در قسمت قصاید، ۴۱ بار از قوافی مردفه و ۷ بار از قوافی موصوله و ۱ بار از حروف بعد از وصل و ۳ بار از تأسیس و دخیل استفاده شده است و در غزلیات نیز ۳۸ بار از ردف استفاده شده که این همه، بدون شک، موسیقی شعر این دواوین را بالا برده و آنها را آهنگین کرده است.

قافیه درونی و اینکه بیت را به چهار بخش تقسیم کنند و علاوه بر قافیه آخر بیت، آخر بخش‌های بیت را نیز با یکدیگر هم‌قافیه سازند نیز کاری است که به طور جد بر موسیقی شعر می‌افزاید و ترنم و رقصانی آن را چند برابر می‌سازد که شاید بتوان گفت بهترین و

بیشترین نوع آن را باید در دیوان شمس تبریزی جست. رجوع شود به: مقدمه گزیده دیوان شمس، نوشته دکتر شفیع کدکنی، ج ۱، ص .

شاعران سبک آذربایجانی، از این امکان برای ازدیاد موسیقی شعر خود فراوان بهره جسته‌اند که در ذیل بدان اشارت می‌کنیم:

۶- ۱- در دیوان خاقانی، قصاید ذیل که بعضاً قصاید مفصلی نیز هستند، کلاً دارای قافیه درونی اند. (مصراع اول قصیده ذکر می‌شود).

در کام صبح از زلف شب مشک است عمدا ریخته (خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۷۷)
 دور فلک ده جام را ز آن نور عذرا داشته (همان: ۳۸۲)
 خورشید کسری تاج بین ایوان نو پرداخته (همان: ۳۸۷)
 عید است و پیش از صبحدم مژده به خمّار آمده (همان: ۳۸۸)

یا ترکیب‌بند زیبایی با مطلع: خوش خوش به روی ساقیان لب گشت خندان صبح را (همان: ۴۵۰)، کلاً دارای قافیه درونی است. همچنین، غزلیات زیر که مصراع اول آنها ذکر می‌شود، دارای قافیه درونی هستند:

خوش خوش خرامان می‌روی ای خوشتر از جان! تا کجا (همان: ۵۴۹)
 عشق تو چون درآید شور از جهان برآید (همان: ۵۷۹)
 صورت نمی‌بندد مرا کان شوخ پیمان بشکند (همان: ۶۱۲)
 خون ریزی و نندیشی عیار چنین خوشتر (همان: ۶۱۸)
 سرهای سراندازان در پای تو اولی‌تر (همان: ۶۲۱)
 آخر چه خون کرد این دلم کامد به ناخن خون او (همان: ۶۵۵)
 تو چه دانی که از وفا چه نمودم به جای تو (همان: ۶۵۶)
 شد آبروی عاشقان زان روی آتشناک تو (همان: ۶۵۶)

۶- ۲- در دیوان فلکی - تا آن حدی که از این دیوان به دست رسیده است - نیز اشعاری دارای قافیه درونی است؛ از آن جمله:

قصیده‌ای با مطلع: چون نقطه نور سپهر آید ز حوت اندر حمل (فلکی، ۱۳۴۵: ۴۰)
 قصیده‌ای با مطلع: دوش چو کرد آسمان افسر زر ز سر یله (همان: ۵۹)
 غزلی با مطلع: دایم در انتظارم بی‌خواب و بی‌قرارم (همان: ۱۰۵)

- قطعه‌ای با مطلع: شاها! همه شاهان را شاهی به هنرمندی (همان: ۱۱۱)
- قطعه‌ای با مطلع: بدخواه ورا خویشی با محنت درویشی (همان: ۱۱۰)
- ۶-۳- در دیوان مجیرالدین نیز اشعار خوبی وجود دارد که آهنگین هستند و در آنها از اوزان دوری استفاده شده است؛ از جمله:
- قصیده‌ای با مطلع: عمر به پای شد ز غم چون که غم نشد به سر (مجیر، ۱۳۵۸: ۱۱۷)
- قصیده‌ای با مطلع: کشورستان راستین کاقبال سلطان خواندن (همان: ۱۲۴)
- قصیده‌ای با مطلع: قاعده‌ای نهاد خوش حسن تو باز در جهان (همان: ۱۵۴)
- قصیده‌ای با مطلع: خسرو زرین سپر دوش شد اندر کمان (همان: ۱۶۵)

۷- بدیع لفظی در سبک آذربایجانی

صنایع بدیعی برای زیباسازی کلام (نظم یا نثر) است و به دو بخش: بدیع لفظی و بدیع معنوی تقسیم می‌شود. استاد جلال‌الدین همایی می‌فرماید: «اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی می‌شود، محسنات و صنایع یا صنعت‌های بدیع می‌گویند و آن را به دو قسمت لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند.» (همایی، ۱۳۶۳: ۳۷) بخش اعظم اهداف صنایع لفظی بدیعی، موسیقی‌بخشی و آهنگین کردن کلام است؛ صنایعی همچون: موازنه، ترصیع، انواع جناس‌ها، ردّالصدر، ردّالعجز، سجع، ملون یا ذوبحرین و ... علاوه بر آرایش‌بخشی به سخن، آن را موسیقایی و مترنم می‌سازد. البته همواره در بهره‌گیری از صنایع بدیعی، باید به اصل «نبود تکلف و طبیعی بودن» توجه داشت. اگر این صنایع به صورتی غیر متکلفانه و روان در شعر به کار گرفته شود، البته گیرایی و جذّابیت آن را چند برابر می‌کند. در این مورد، استاد دکتر شفیعی کدکنی چنین تصریح می‌کند: «از مجموعه دویست و بیست گانه صنایع بدیعی، صنایعی که می‌توانند در قلمرو موسیقی به معنی عام آن، موسیقی اصوات و موسیقی معانی، قرار گیرند، زنده و خلاق و ارزشمند و قابل بررسی‌اند و آنها که از مقوله موسیقی نباشند، مزاحم و تباه‌کننده ذهن و ذوق و ضمیرند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۰۰)

در اشعار سبک آذربایجانی، کاربرد این نوع صنایع بدیعی بسیار بسیار پر دامنه است و کتاب‌هایی چون: دیوان خاقانی، خمسه نظامی، دیوان فلکی و مجیر مملو از صنایع بدیعی و بلاغی است که اکثر آنها، استادانه و ماهرانه به کار گرفته شده است؛ بالأخص نظامی را

باید انصافاً یکی از استادان بلامنازع این گونه صنایع در شعر فارسی دانست. بسیاری از این صنایع، به صورتی کاملاً مبتکرانه و بکر در اشعار نظامی و خاقانی دیده می‌شود که بعضی از آنها، انسان را به اعجاب و تحسین وامی‌دارد. بدون تردید، یکی از عوامل موسیقایی بودن دیوان این شاعران، همین امر است. این صنایع، موسیقی دلنوازی را به شعر این شاعران بخشیده است که باعث ارزشمندی این آثار گرانقدر شده است. اگر بخواهیم تمامی این گونه صنایع را در اشعار نظامی، خاقانی و سایر شاعران سبک آذربایجانی استقصا کنیم، به‌راستی که صفحه‌ای نیست تا ده‌ها نمونه از آنها یافت نشود. به‌ناچار برای مثال، به چند مورد زیر بسنده می‌کنیم:

۷-۱- از خمسه نظامی:

موازنه:

سماع ارغوننی گوش می‌کرد شراب ارغوانی نوش می‌کرد
(نظامی، ۱۳۸۱: ۵۴)

نسب گویی بنامیزد ز جمشید حسب پرسی بحمدالله چو خورشید
(همان: ۷۸)

داغ نه ناصیه داران پاک تاج ده تخت نشینان خاک
(نظامی، ۱۳۴۳: ۳)

انواع جناس:

مطرف: اگر خواهد به آب تیغ گلرنگ برآرد رود روس از چشمه زنگ
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۷)

ناقص: راه قدم پیش قدم درگرفت پرده خلقت ز میان برگرفت
(نظامی، ۱۳۴۳: ۱۸)

زاید: عالم تر دامن خشک از تو یافت ناف زمین نافه مشک از تو یافت

(همان: ۲۳)

نام: چو در خواب این بلا را بود دیده که بودی بازی از دستش پریده
چو حسرت خورد از پرواز آن باز همان باز آمدی بر دست او باز
(نظامی، ۱۳۸۱: ۸۳)

موتب: پیرزنش گفت میر نام کس هم دم خود هم دم خود دان و بس
(نظامی، ۱۳۴۳: ۱۶۵)

زاید: ز آوازه آن دو بلبل مست هر بلبله‌ای که بود بشکست
(نظامی، ۱۳۳۳: ۹۵)

شبه‌اشفاق: بسی ناقه مهر ناکرده باز ز نیفه بسی جامه دلنواز
(نظامی، ۱۳۴۳: ۲۴۶)

تصدیر: جهد بدین کن که بر این است عهد روزی و دولت نفزاید به جهد
(نظامی، ۱۳۴۳: ۱۰۵)

در بیت مزبور، ضمناً بین «جهد» و «عهد» جناس مضارع نیز برقرار است.

۷-۲- از دیوان خاقانی:

موازنه:

ای همه هستی که هست از کف تو مستعار نیست نیازی که نیست بر در تو مستعین
(خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۳۶)

و ایضاً همان: ۲۰۱ و همان: ۴۲۰)

انواع جناس:

اشفاق: گو درد دل قوی شو و گو تاب تب فزای زین گلشکر مجوی و از آن نارون مخواه

(همان: ۳۷۶)

زاید: چنگی آفتاب روی از پی ارتفاع می
چنگک نهار ربع فش بر بر و چهره بربری
(همان: ۴۲۰)

خطو شبه - چار چیز است خوش آمد دل خاقانی را
گر کریمی و معاشر، مده این چار ز دست
اشتقاق مال پاشیدن و پوشیدن اسرار کسان
باده نوشیدن و بوسیدن معشوقه مست
(همان: ۸۴۸)

خط: زان لب که تا ابد مدد جان ما ازوست
نوشی به عاریت ده و بوسی عطا فرست
(همان: ۵۵۹)

تصدیر: کرد آفتاب و صبح کلاه و لباچهام
این زرکش مغرّق و آن زرنگار کرد
(همان: ۱۴۹)

۷-۳- از دیوان مجیرالدین بیلقانی: موازنه و مماثله:

قفس خاک پر از زمزمه فاخته است
مجمر باغ پر از لخلخه نسترن است
(مجیر، ۱۳۵۸: ۲۹)

(نیز همان: ۲۸ و همان: ۴۱ و همان: ۱۰۹)

جناس زاید:

در راه من یکی است اثیر و هوا که من
وقتی اگر سمن بدم اکنون سمندرم
(همان: ۱۴۰)

در دیوان فلکی شروانی، قصیده‌ای است با مطلع:

رخ و زلف و لب و چشم و خط و خال تو ای دلبر!

ز من بردند لهُو و هوش و صبر و عیش و خواب و خور

(فلکی، ۱۳۴۵: ۳۸)

که در آن انواع و اقسام صنایع لفظی و معنوی بدیعی، از قبیل: لفّ و نشر، مراعات-النظیر، موازنه، جناس و ... وجود دارد که مملوّ از زیبایی و ترنّم است.

۸- نغمه حروف یا واج آرای

کوشش در ایجاد نغمه حروف یا واج آرای، وسیله‌ای است که از دیرباز در متون شعر و نثر از آن استفاده می‌شده است تا موسیقی و ترنّم کلام را بالا ببرند و بر آهنگ آن بیفزایند. این امر، در اشعار سبک آذربایجانی به‌وفور دیده می‌شود و در جای‌جای دیوان-های این شاعران، بانگ نغمه حروف به گوش می‌رسد و جان و دل از آن به طرب می‌آید. در اینجا، برای نمونه، به چند بیت از این گونه اشعار اشاره می‌شود:

خرقه شبخانه شده شاخ شاخ تنگدلی مانده و غوری فراخ
(نظامی، ۱۳۴۳: ۱۴۰)

و نظامی، ۱۳۸۱: ۵۵)

چند بیغاره که در بیغوله غاری شدی ای پی غولان گرفته دوری از صحرای من
(خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۲۳)

دل‌بند سمن بر بت گل رخسارا شیرین سخنا ماه شکرگفتارا
هرچند که هیچ یاد ناری ما را روز تو خجسته باد یارب یارا!
(مجیر، ۱۳۵۸: ۳۴۶)

۹- استفاده از تکرار

تکرار منظم صوت، ایجاد موسیقی می‌کند. در شعر یا نثر، اگر یک کلمه یا یک عبارت به صورت منظم و استادانه و عاری از تکلف تکرار شود، البته کلام را موسیقی مضاعف می‌بخشد و گوش‌نواز می‌کند. شاعران سبک آذربایجانی نیز بعضاً از این امکان هنری سود برده‌اند و ترنّم شعرشان را بیشتر کرده‌اند. در اینجا، برای نمونه، به چند بیت اشاره می‌شود:

پرده‌گشای فلک پرده‌دار پردگیی پرده‌نشینان کار

(نظامی، ۱۳۴۳: ۲)

نیز نظامی، ۱۳۸۱: ۷۲ و همان: ۸۰)

محنت شودم سپر ز محنت کاهن شود آینه ز آهن
(مجیر، ۱۳۵۸: ۱۴۸)

غصه هر روز و یارب یارب هر نیمشب تا چه خواهد کرد یارب یارب شب‌های من
(خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۲۱)

۱۰- بهره‌گیری از موسیقی معنوی

برخی از صنایع بدیعی، همچون: تضاد یا طباق، مراعات‌النظیر، لفّ و نشر، قلب و ... ، به کلام نوعی موسیقی معنوی می‌بخشد که اگر بدون تکلف و رقیق و لطیف به کار رفته باشد، باعث گوش‌نوازی و لذت ضمیر است. شاعران و نویسندگان بزرگ ادب ما، در بسیاری از جاها از این امکان سود برده‌اند. بدون تردید، برخی از جدّائیت‌های شعرهای شاعرانی چون: فردوسی، سعدی، حافظ، مولانا، خیام و صائب از همین امر است.

علامه شبلی نعمانی، در کتاب نفیس «شعرالعجم» که در واقع نوعی نقد ادبی شعر فارسی است، در این باب که شاعران فارسی‌زبان، از صنایع معنوی و خیال‌پردازی سود فراوان برده‌اند، چنین می‌گوید: «اسلوب بدیع، عبارت از این است که یک خیال یا مضمونی را در یک پیرایه جدید و حیرت‌انگیزی بیان کند و این، همان وصف یا شاهکاری است که بسیاری از ارباب ادب، آن را شعر نام نهاده‌اند و باید دانست که زبان فارسی، در این قسمت از بین تمام السنه ممتاز می‌باشد.» (شبلی نعمانی، ۱۳۳۹، ج ۴: ۱۸۶)

شاعران استاد سبک آذربایجانی نیز از این امکان هنری سود فراوان برده‌اند و اشعار زیبا و پرتنم ساخته‌اند. اغلب کاربرد این گونه صنایع در اشعار خاقانی، نظامی، فلکی و. مجیر خالی از تکلف است، هرچند عکس آن نیز دیده می‌شود. بدون شک، برخی از زیبایی‌های شعرای این شاعران، مرهون به کارگیری همین صنایع است. در اینجا، برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

مراعات النّظیر:

روز خوش عمر به شب خوش رسید خاک به باد، آب به آتش رسید

(نظامی، ۱۳۴۳: ۹۳)

و نظامی، ۱۳۸۱: ۴۷)

از اسب پیاده شو بر نطع زمین نه رخ زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان

(خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۵۹)

تضاد یا مطابقه:

نشان می‌جست و می‌رفت آن دل‌افروز چو ماه چارده شب چارده روز

(نظامی، ۱۳۸۱: ۸۴)

غصه هر روز و یارب یارب هر نیمشب تا چه خواهد کرد یارب یارب شب‌های من

(خاقانی، ۱۳۳۸: ۳۲۱)

ضمناً بیت صنعت تکرار نیز دارد.

نقل خشک از لب چون شکر معشوق برند می روشن به سماع غزل تر گیرند

(مجیر، ۱۳۵۸: ۷۳)

بت شیرین نبیند تلخ در دست از آن تلخی و شیرینی جهان مست

(نظامی، ۱۳۸۱: ۷۳)

دیده مرده نرگس همه گریان نگرد به سوی لاله که او مرده اندر کفن است

(مجیر، ۱۳۵۸: ۲۹)

لفّ و نشر:

نور تویی و سایه من چون گل و ابراز آن کند شرم تو و سرشک من رنگریزی و گازی

(خاقانی، ۱۳۳۸: ۴۲۱)

حلقه‌ی حی را کالف اقلیم داد طوق ز دال و کمر از میم داد
 لاجرم او یافت از آن میم و دال دایره‌ی دولت و خطّ کمال
 (نظامی، ۱۳۴۳: ۱۲)

تنسیق الصفات:

آن خمیده‌قد لاغر تن موربخته‌سر بزند و بنوازند و به بر درگیرند
 (مجیر، ۱۳۵۸: ۷۴)

شگرفی چابکی چستی دلیری به مهر آهو، به کینه تندشیری
 گلی بی‌آفتی باد خزانی بهاری تازه بر شاخ جوانی
 (نظامی، ۱۳۸۱: ۷۸)

قلب:

آسمان برخی بزمی که در او از می و جام آذر از آب دهند، آب از آذر گیرند
 (مجیر، ۱۳۵۸: ۷۴)

بدان لفظ بلند گوهرافشان که جان عالم است و عالم جان
 (نظامی، ۱۳۸۱: ۲۸)

۱۱- هماهنگی وزن و معنا

یکی از نکات مهم و جذّاب در حیطة وزن‌شناسی، این است که بینیم شاعران در به‌کارگیری وزن‌های مختلف، چه قدر به هماهنگی وزن و محتوا و معنا توجه داشته‌اند زیرا بدون تردید، برخی از وزن‌ها، شاد و رقصان‌اند و با حال و هوای موضوعات طرب‌انگیز و سرورآفرین جور درمی‌آیند و بعضی از وزن‌ها، با حزن و غم هماهنگ و مخصوص موضوعات محزون و اندوه‌زا هستند. برخی از اوزان، به درد موضوعات حماسی و پهلوانی می‌خورند و بعضی، مخصوص موضوعات تعلیمی و اخلاقی هستند و هکذا بقیه موارد. شاعران بزرگ و استاد که با موسیقی نیز آشنایی دارند، به این امر توجه دارند؛ شاعرانی چون منوچهری، فردوسی، سعدی،

ناورد محنت است در این تنگنای خاک محنت برای مردم و مردم برای خاک

(همان: ۲۳۷)

مولوی، حافظ، صائب، عرفی و ... توجه خاصی به این مطلب دارند. در سبک آذربایجانی نیز به این امر توجه ویژه‌ای شده است. استادانی چون خاقانی، فلکی و نظامی در اغلب موارد، هماهنگی وزن و محتوا را رعایت کرده‌اند. خاقانی معمولاً در قصاید خود، وزن‌های سنگین و باوقار را برای بیان پند و موعظه و مرثیه به کار می‌برد؛ از جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

در قصیده‌ای با مطلع:

طفلی هنوز بسته گهواره‌ی فنا مرد آن زمان شوی که شوی از همه جدا

(خاقانی، ۱۳۳۸: ۱۵)

که حاوی پند و حکمت است و از وزنی باوقار بهره برده است.

یا در قصیده‌ای با مطلع:

که در مرثیه امام محمد یحیی است، باز از وزنی باوقار و حزن‌انگیز استفاده کرده است؛ ضمن اینکه ردیف «خاک» در این قصیده، بر اندوه آن افزوده است.

اما در قصیده‌ای با مطلع:

عید است و پیش از صبحدم مژده به خمّار آمده

بر چرخ دوش از جام جم یک نیمه دیدار آمده

(همان: ۳۸۸)

چون بیان مبارکی عید و صحبت از شادی است، از وزن شاد و رقصان سود برده است.

یا استاد فلکی شروانی در ترکیب‌بندی با مطلع:

سوری که حور در وی پیرایه برگشاید رضوان گه نثارش عقد گهر گشاید

(فلکی، ۱۳۴۵: ۸۲)

چون بیان سور و جشن است و تهنیت عید به شاه، از وزنی رقصان و آهنگین استفاده کرده است. از این نوع نمونه‌ها، در دواوین شاعران سبک آذربایجانی کم نیست و اگر بخواهیم همه آنها را استقصا کنیم، خود مقالی دیگر را می‌طلبد.

وزن‌های خمسه نظامی نیز بدین منوال است؛ فی‌المثل، وی در انتخاب وزن «فعولن فعولن فعولن» (بحر متقارب) برای اسکندرنامه سلیقه بسیار خوبی به کار برده است زیرا این وزن با حال و هوای حماسه و تاریخ بسیار مناسب است. تنها ایرادی که برخی از صاحب‌نظران بر نظامی گرفته‌اند، در انتخاب بحر سریع برای مخزن‌الاسرار است که می‌گویند این وزن، شاد و رقصان است و با موضوعات اخلاقی و حکمی چندان مناسب ندارد اما برخی از صاحب‌نظران نیز بحر سریع را برای مخزن‌الاسرار، خالی از لطف ندانسته‌اند و آن را نوعی ابتکار نظامی می‌دانند که بر شورانگیزی شعرش افزوده است؛ از جمله استاد دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب در کتاب «پیر گنج در جستجوی ناکجاآباد» می‌نویسد: «مخزن‌الاسرار نظامی، پژواک غریب و پرطننه‌ای از حدیقه سنایی بود و بحر سریع آن هم که آهنگ تازه‌ای به شعر شاعر گنج می‌داد، آن را از بحر خفیف خالی از طننه و حتی عاری از شور حدیقه که در اشعار قدما سابقه‌ای بیشتر از بحر سریع داشت، به نحو جالبی متمایز می‌ساخت و شور و تحرک خاصی به کلام نظامی می‌داد.» (زرّین‌کوب).

(۱۳۷۴: ۳۸)

برای نمونه، به استقصای اوزان شعری موضوعات و انواع ادبی در قصاید دو شاعر برجسته

سبک آذربایجانی می‌پردازیم:

اوزان شعری در قصاید مدحیة خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۲	مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن	۱۱	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلهن
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن	۷	مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن
۱	فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلن	۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن
۱	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	۵	مفعول مفاعلهن فعولن
۱	مفتعلن مفاعلهن مفتعلن فع	۵	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
۱	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن	۴	مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۱	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۴	فاعلاتن مفاعلهن فعلن
۱	مفتعلن مفتعلن فاعلهن	۲	فعولن فعولن فعولن فعلن
		۲	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن

اوزان شعری در قصاید تعلیمیة و حکمت آمیز خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن	۶	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلهن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن	۲	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۲	فاعلاتن فعلاتن فعلن
۱	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۲	فاعلاتن مفاعلهن فعلن
		۲	فعولن فعولن فعولن فعلن

اوزان شعری در مرثیه‌های خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۵			
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۳	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۳	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن
۱	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۳	فاعلاتن مفاعیلن فعلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
		۲	مفعول مفاعیلن فعولن

اوزان شعری در شکایت‌نامه‌های خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۳	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱	فاعلاتن مفاعیلن فعلن	۲	فعولن فعولن فعولن فعولن

اوزان شعری در تهنیت‌ها

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع	۱	مفعول مفاعیلن فعولن

اوزان شعری در قصایدی که خاقانی در وصف کعبه سروده است

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۱	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

اوزان شعری در قصایدی که خاقانی در مدح ختمی مرتبت (ص) سروده است

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۳	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۲	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

اوزان قصایدی که خاقانی در وصف خراسان و شوق دیدن آنجا سروده است

تعداد	وزن	تعداد	وزن
	فاعلاتن فاعلاتن فعلن	۱	فاعلاتن فاعلاتن فعلن

اوزان دو قصیده حبسیه خاقانی

تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱	مفاعیلن مفاعیلن فعولن

اوزان شعری قصاید مدحیه فلکی شروانی

وزن	تعداد	وزن	تعداد
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۳	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن	۱
مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن	۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن	۱
مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن	۲	مفعول مفاعلهن فاعلهن	۱
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	۱	مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن	۱
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۱	مفعول فاعلات مفاعلهن فاعلهن	۱
مفتعلن مفتعلن فاعلهن	۱		

اوزان شعری قصاید عاشقانه فلکی شروانی

وزن	تعداد	وزن	تعداد
مفعول فاعلات مفاعلهن فاعلات	۱	مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن	۱
مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن	۱	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن	۱

اوزان شعری قصایدی که فلکی در تهنیت سروده

وزن	تعداد	وزن	تعداد
مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن	۱	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن	۱

وزن قصیده حبسیه فلکی فاعلاتن مفاعلهن فعلن است.

نتیجه

از مجموع موارد یادشده، چنین نتیجه می‌شود که یکی از مهم‌ترین علل زیبایی و درخشندگی شعر شاعران سبک آذربایجانی، وجود موسیقی کلام و توجه وافر به چگونگی به‌کارگیری وزن در آن است. این شاعران، از همه امکانات زبانی، عروضی، بدیعی و بلاغی، برای بالا بردن سطح موسیقایی شعرشان بهره برده‌اند و در اغلب موارد، در این کار کامیاب بوده‌اند و بدون تردید، زیبایی وزن و موسیقی در ارتقای کیفی این سبک، سهم والایی دارد.

فهرست منابع

- ۱- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۳۸). **دیوان**. به تصحیح ضیاء‌الدین سجّادی. تهران: زوآر.
- ۲- _____ . (۱۳۳۲). **تحفة العراقین**. به تصحیح یحیی قریب. تهران: سپهر.
- ۳- طوسی، خواجه نصیر‌الدین. (۱۳۶۳). **معیار الاشعار**. به کوشش محمد فشارکی و جمشید مظاهری. اصفهان: سهرودی.
- ۴- زرّین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). **پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد**. چاپ دوم. تهران: سخن.
- ۵- شبلی نعمانی. (۱۳۳۹). **شعر العجم**. ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی. چاپ دوم. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). **موسیقی شعر**. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- ۷- شمس قیس رازی. (۱۳۳۸). **المعجم فی معاییر الاشعار العجم**. به تصحیح و مقابله مدرس رضوی. تهران: کتابفروشی تهران.
- ۸ - صفاءذبیح‌الله. (۱۳۵۸). **تاریخ ادبیات در ایران**. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۹- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۰). **سخن و سخنوران**. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- ۱۰- فلکی شروانی. (۱۳۴۵). **دیوان**. به تصحیح طاهری شهاب. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۱۱- مجیر بیلقانی. (۱۳۵۸). **دیوان**. به تصحیح محمدآبادی، تهران: دانشگاه تبریز.
- ۱۲- نظامی گنجوی. (۱۳۱۷). **اقبالنامه**. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- ۱۳- _____ . (۱۳۸۱). **خسرو و شیرین**. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. تهران: برگ نگار.
- ۱۴- _____ . (بی‌تا). **دیوان قصاید و غزلیات**. به کوشش سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی فروغی.

- ۱۵- _____ . (۱۳۱۶). **شرفنامه**. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- ۱۶- _____ . (۱۳۳۳). **لیلی و مجنون**. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. تهران: ابن سینا.
- ۱۷- _____ . (۱۳۱۳). **مخزن الاسرار**. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- ۱۸- _____ . (۱۳۱۵). **هفت پیکر**. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- ۱۹- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۳). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. چاپ دوم. تهران: توس.